



## دیدگاه تحلیلی زبان عربی و معارف پژوهی قرآن

### الهام قربانی

۱- هیات علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

Elhamghorbani.787@gmail.com

#### خلاصه

معارف پژوهی قرآن یا تفسیر موضوعی که بر دسته‌بندی آیات و جمع‌بندی مدلول‌های آنها مبتنی است گرچه به صورت محدود سابقه طولانی دارد، در این نوشتار محقق به دنبال ارائه جزئیاتی از تفسیر موضوعی می‌باشد که در این روش شماری از متخصصان و هریک براساس تخصص خود به بررسی بخش‌هایی از قرآن می‌پردازند و یک موضوع از موضوعات قرآن را گرد آورده و آیات مرتبط با آن را به طور کامل استقصاء می‌کنند. در تحلیل این روش، نوشتار به دنبال تعاریف تفسیر موضوعی، شیوه‌ها، پیشینه، و ضرورت و اهمیت آن می‌باشد که با دیدگاه تحلیلی زبان عربی به ذکر آنها می‌پردازد.

کلمات کلیدی: قرآن، معارف پژوهی، تفسیر موضوعی، زبان عربی.

#### ۱. مقدمه

قرآن محکمترین و معتبرترین سند ماندگار اسلام است. برای دست یافتن به آموزه‌های قرآن راه شناخته شده تفسیر تربیتی است که سوره‌ها و آیات قرآن را براساس چینش کنونی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در صدها تفسیر از آغاز تاکنون دنبال شده است. با این حال همگان اذعان دارند که به رغم مزایایی، این روش برای ترسیم نظرگاه‌های نهایی قرآن فاقد کارایی است. تنها شیوه‌ای که می‌تواند این نیاز را تأمین کند، معارف پژوهی قرآن یا تفسیر موضوعی است. تفسیر موضوعی که بر دسته‌بندی آیات و جمع‌بندی مدلول‌های آنها مبتنی است گرچه به صورت محدود سابقه طولانی دارد، با رویکرد جامع و فراگیر و عطف توجه به گستره موضوعات قرآن شیوه‌ای نو و جوان است؛ چنانکه بازپژوهی مبانی، شیوه و مراحل آن نیز در گام‌های نخستین قرار دارد.

#### ۲. تعاریف معارف پژوهی قرآن (تفسیر موضوعی)

باتوجه به این که هدف از تفسیر موضوعی براساس اصطلاح اخیر به دست دادن پیام‌های قرآن است، پس اولاً در تفاسیر موضوعی جنبه‌های لفظی، علمی و فنی آیات مورد اهتمام نیست. ثانیاً تفاسیری که به این مباحث اختصاص یافته‌اند موضوعاً از دایره تفسیر موضوعی خارج‌اند. اما تمام تعاریف در دو نکته اشتراک دارند: یک، تفسیر موضوعی به عکس تفسیر تربیتی با عطف توجه به یکی از موضوعات قرآن و با استخراج آیات مرتبط با هم، به دسته‌بندی و استنتاج آنها می‌پردازد. دیگری اینکه در عموم تعاریف بر این نکته تأکید شده که هدف از تفسیر موضوعی به دست دادن پیامها و نظرگاه‌های قرآن درباره یک موضوع است.

این مدعا از سه جهت قابل تأمل است: اولاً برخورداری تفسیر موضوعی از دو اصطلاح قدیم و جدید به سادگی قابل اثبات نیست. بلکه به عکس تشابه و همسانی بر تعاریف و کارکرد این شیوه تفسیری در قدیم و جدید حاکم است. یعنی امروز نیز اگر کسی در موضوعاتی همچون «مجاز در قرآن»، «عام و خاص در قرآن» به روش تفاسیر موضوعی تحقیقی ارائه کند، همچنان می‌توان بر آنها تفسیر موضوعی اطلاق کرد. ثانیاً دلیلی ندارد که هدف



تفسیر موضوعی به ارائه «پیام‌هایی از قرآن» منحصر گردد که بیشتر به گزارش‌های ارزشی و دستوری قرآن (بایدها و نبایدها) ناظر است. ما می‌توانیم هدف تفسیر موضوعی را ارائه نظرگاه‌های قرآن بدانیم که طبعاً بخشی از آن، پیام‌های ارزشی قرآن خواهد بود. بر این اساس بررسی مباحثی همچون محکم و متشابه جزو تفاسیر موضوعی خواهد بود. ثالثاً گرچه در تفاسیر موضوعی عرضه شده کمتر به مباحث ادبی و فنی آیات پرداخته شده است، همانگونه که در بررسی مراحل تفسیر موضوعی خواهیم آورد یکی از این مراحل اعمال مبانی و قواعد تفسیر آحاد آیات است که علی‌الاصول شامل مباحث ادبی و فنی هر آیه خواهد شد. زیرا بررسی‌های لغوی، صرفی، نحوی، معانی، بیان و بدیع هر کدام در معنا رسانی بهتر و کاملتر از هر آیه مؤثر است.

از سوی دیگر باید دانست که کتب غریب القرآن که به بررسی واژه‌های قرآن پرداخته‌اند، نظیر مفردات راغب یا کتبی که به مباحث ادبی قرآن اختصاص یافته‌اند نظیر کتاب املاء ما من من الرحمن اساساً نباید به عنوان کتب یا گرایش‌های تفسیری برشمرده شوند. از این کتب باید به عنوان رویکردی به قرآن یاد کرد که زمینه‌ها و مقدمات تفسیر را فراهم آورده‌اند چه، مفسر به هنگام تفسیر به مفاهیم مبین شده واژه‌ها یا دستاوردهای بررسی ادبی آیات نیازمند است. برخی این کتب را روش یا گرایش شمرده‌اند [۲و۱].

جوادی آملی براساس تعریفی که از وی نقل شد جمع‌آوری و جمع‌بندی روایات را پس از جمع‌آوری و جمع‌بندی آیات از مراحل تفسیر موضوعی دانسته و آن را در تعریف تفسیر موضوعی دخالت داده‌اند. اما تفسیر موضوعی ناظر به قرآن و ارائه نظرگاه‌های قرآن است به عکس فقه الحدیث که اگر به صورت موضوعی و با جمع‌آوری و جمع‌بندی روایات دنبال شود، به دنبال ارائه نظرگاه‌های سنت است [۳].

باری مراجعه به روایات به عنوان مهمترین قرینه فهم و تفسیر آیات در تمام مراحل تفسیر موضوعی بسیار ضروری و راهگشاست. به هر روی جمع‌آوری و جمع‌بندی روایات کاری است که در فقه الحدیث دنبال می‌شود. هرچند در تمام مراحل تفسیر موضوعی اعم از بررسی مفاهیم واژه‌های آیات، مباحث ادبی و نحوی، سبب و شأن نزول آیات و روایات و ... نقش آفرینی دارند.

دانشنامه جهان اسلام همصدا با معرفت وجود نیازها و پرسش‌های این روزگار را در تعریف تفسیر موضوعی لحاظ کرده و توسعه دامنه مفهومی آن را به هر یک از موضوعات قرآن یا تفسیر قرآن به قرآن تلویحاً مورد نقد قرار داده است. از سویی دیگر از نگاه نویسنده آن مراجعه به مطالعات گذشتگان و آثار تفسیری متقدم جزو مراحل تفسیر موضوعی است.

با عطف توجه به تعاریفی که درباره تفسیر موضوعی ارائه کردیم تعریف ذیل از جامعیت بیشتر برخوردار است: تفسیر موضوعی عبارت است از فهم و تبیین نظرگاه‌های قرآن در موضوعات و عرصه‌های مختلف با مراجعه مستقیم یا عرضه پرسش‌های بیرونی به قرآن و استنتاج از آن پس از اصطیاد و استخراج آیات، و دسته‌بندی روشمند و استنتاج از آنها.

در این تعریف چهار نکته مد نظر قرار گرفته است: ۱- تفسیر موضوعی بسان تفسیر ترتیبی بر دو مرحله فهم و تبیین استوار است؛ به این معنا که نخست مفسر خود به فهمی صائب از آیات دست می‌یابد آنگاه آن فهم را در اختیار دیگران می‌گذارد که مرحله تبیین است.

۲- عبارت «نظرگاه‌های قرآن در موضوعات و عرصه‌های مختلف» خود ناظر به دو نکته است: نخست، در تفسیر موضوعی آموزه‌های بینشی و هستی‌شناسانه و آموزه‌های ارزشی (حکمت نظری و علمی) در کنار یکدیگر دنبال می‌شوند و تنها به آموزه‌ها و پیام‌های ارزشی که مورد نظر برخی از اندیشمندان است اختصاص ندارد. دوم، مباحثی همچون زن، حکمت، حیات برزخی، بهشت و دوزخ در بخش موضوعات قرآن و مباحثی همچون: اخلاق، علم، تاریخ در بخش عرصه‌های قرآن قابل بررسی است.



۳- عبارت «مراجعة مستقیم یا عرضه پرسش‌های بیرونی و استنتاج از قرآن» ناظر به این نکته است که گزینش موضوع می‌تواند برخاسته از مراجعه و تعاطی مستقیم با آیات پدید آمده باشد یا با رویکرد پرسش‌های نو پیدا با پیدایش عرصه‌های نوین در دانش بشری رخ نموده باشد.

۴- اصطیاد و استخراج، دسته‌بندی و استنتاج، ناظر به مراحل بنیادین در تفسیر موضوعی است که اعمال صحیح آنها نظرگاه‌های قرآن را به طور کامل و جامع منعکس خواهد ساخت.

### ۳. پیشینه تفسیر موضوعی

#### ۱.۳ تفسیر موضوعی از دیدگاه قرآن و روایات معصومان

مهمترین مبنا که در پی‌ریزی شیوه تفسیر موضوعی نقش آفرین بوده است ضرورت استفاده از آیات قرآن در تفسیر و نقش نگاه فراگیر به آیات همگن درباره یک موضوع است. از این رو، میان تفسیر موضوعی و روش تفسیر قرآن به قرآن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. با توجه به این اصل باید اذعان کرد که نخستین بنیانگذار شیوه تفسیر موضوعی خود قرآن است. آنجا که خداوند کار تبیین قرآن را خود برعهده گرفته ان علینا جمعه و قرآنه ... ثم ان علینا بیان (قیامت/۱۷-۱۹) و یکی از رهگذارهای تبیین قرآن از سوی خداوند تبیین آیات با آیات دیگر است و نیز آنجا که خداوند بازگرداندن آیات متشابه به محکم را بر این اساس که محکمت قرآن ام الكتاب اند: هوالذی انزل علیک الكتاب مند آیات محکمت هن ام الكتاب و اخر متشابهات (آل عمران) برای پرهیز از تأویل باطل و ناروا ضروری دانسته، در حقیقت به بررسی آیات متشابه و محکم در کنار هم توصیه نموده است. در سیره قولی و عملی معصومان (ع) نیز بر جایگاه و نقش آفرینی تفسیر موضوعی تأکید شده است. حضرت امیر (ع) در روایت: «ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» (نهج البلاغه، خ ۱۳۳) بر تفسیرگری آیات قرآن نسبت به یکدیگر تأکید کرده است و در روایت «ذلک القرآن فاستنطقوه» (همان، خ ۱۵۸) بر ضرورت استنطاق از قرآن پای فشرده است. افزون بر آن، معصومان در مواردی عملاً از مقارنه آیات با یکدیگر برای رساندن نظرگاه‌های قرآن استفاده کرده‌اند. به عنوان مثال پیامبر (ص) در روایت مبسوطی خطاب به عبدالله بن مسعود با برشمردن آیات قرآن در کنار یکدیگر او را به پایبندی به ارزش‌های اخلاقی دعوت کرده است. در آغاز این روایت از زبان عبدالله بن مسعود چنین آمده است: من با پنج تن از اصحاب در حالی بر پیامبر وارد شدیم که با گرسنگی شدید مواجه بوده و طی چهار ماه متوالی غذای ما تنها آب، شیر و برگ درختان بود. عرض کردیم: ای رسول خدا تا کی این گرسنگی شدید (تنگنای مسلمانان) ادامه خواهد داشت؟ پیامبر اکرم در پاسخ به ابن مسعود با استفاده از آیات قرآن به موضوعات مختلف اخلاقی از جمله صبر، زهد، عمل به علم و ... اشاره می‌کند [۴]. آیات مورد استشهاد پیامبر از نظر موضوع همگنانند که از سوره‌های مختلف استخراج و دسته‌بندی شده‌اند. به عنوان مثال پیامبر برای تبیین ارزش صبر به این آیات استشهاد کرده است: انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب (زمر/۱۴)؛ اولئک ینجزون العرفه بما صبروا (فرقان/۷۵)؛ انی جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون (مومنون/۱۵)؛ و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا (دهر/۱۲)؛ اولئک یتون اجرهم مرتین بما صبروا (قصص/۵۴). از نمونه‌های بارز دیگر روایت مبسوطی از امام کاظم خطاب به هشام بن حکم درباره جایگاه عقل است که کلینی در کتاب العقل و الجهل کافی منعکس ساخته است (۱۳/۱-۲۰). به عنوان مثال امام در تبیین رابطه عقل و علم به این آیات استشهاد کرده است: و تلک الامثال نضربها للناس و ما یعقلها الا العالمون (عنکبوت/۴۳)؛ و تسنون انفسکم و انتم تتلون الكتاب افلا تعقلون (بقره/۴۴).

#### ۲.۳ پیشینه تفسیر موضوعی در آثار اندیشمندان مسلمان

با انشعاب دانش‌های مختلف اسلامی از دانش حدیث که آن را مادر علوم اسلامی دانسته‌اند و پیدایش نگرشها و مشرب‌های مختلف فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، ادبی که از سده دوم آغاز شد، و رویکرد بنیانگذاران و طرفداران این مشربها به قرآن برای بدست آوردن نظرگاه‌های قرآن یا در جهت تقویت و تأیید مشرب‌های مورد نظر خود، به طور طبیعی مطالعات و پژوهش‌های موضوعی شکل گرفت و رویکرد ادبی و فقهی به قرآن از رونق و گستردگی زیادی برخوردار شد و در نتیجه نخستین آثار مدون و منسجم به عنوان تفاسیر موضوعی در عرصه آیات ادبی و آیات فقهی که از آن به آیات



الاحکام، یاد می‌شود شکل گرفت. کتاب‌هایی همچون زبده البیان محقق اردبیلی و کنز العرفان فاضل مقداد، فقه القرآن محمد یزدی، تفسیر جامع آیات الاحکام، زین العابدین قربانی از جمله کتب تفسیر موضوعی در عرصه فقه به شمار می‌روند [۶۵] و کتاب‌های البیان فی اقسام القرآن ابن قیم؛ مجاز القرآن ابو عبیده، المفردات فی غریب القرآن راغب اصفهانی را از جمله کتاب‌های تفسیر موضوعی در عرصه ادبی برشمرده‌اند. چنین رویکردی به قرآن به صورتی محدود به عرصه آیات فقهی و ادبی قرآن همچنان در سده‌های بعد سده دنبال شد اما چنین رویکردی به سایر عرصه‌های قرآن همچون خداشناسی، معادشناسی، اخلاق، حقوق و... که منجر به تدوین تفاسیر موضوعی مصطلح شده باشد عملاً در طول تاریخ مطالعات قرآنی به استثنای سده اخیر به چشم نمی‌آید که عوامل و ریشه‌های آن جای بررسی دارد. البته نباید از نظر دور داشت که بررسی پاره‌ای از موضوعات خرد و جزئی قرآن که متأثر از سلاقی و خواسته‌های شخصی اندیشمندان مسلمان بود کم و بیش دنبال شده است. از جمله گام‌های مؤثر در زمینه تفسیر موضوعی از آن علامه مجلسی است که در آغاز فصول و ابواب بحار الانوار و متناسب با موضوعات، آیات مرتبط را گردآورده و با استفاده از تفاسیری همچون مجمع البیان و کشاف به تفسیر آنها پرداخته است. در شیوه گردآوری آیات توسط علامه مجلسی ترتیب آیات بر اساس ترتیب سوره‌ها رعایت شده است.

#### ۴. مفهوم تفسیر موضوعی

مطالعات و پژوهش‌های قرآنی را به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌کنند. به مطالعات بیرونی قرآن اصطلاحاً علوم قرآنی اطلاق می‌گردد و پژوهش‌های درونی قرآن به دو قسم ترتیبی و موضوعی تقسیم می‌گردد. عمده تفاسیری که از آغاز تاکنون نگاشته شده از نوع تفسیر ترتیبی و به عبارتی از نوع مطالعات درونی و ترتیبی قرآن است که براساس چینش کنونی سوره و آیات و گاه به صورت محدود براساس چینش نزول انجام یافته است. پژوهش‌های درونی قرآن که با صرف نظر از چینش سوره و آیات و براساس یک موضوع خاص قرآنی انجام می‌گیرد اصطلاحاً تفسیر موضوعی یا معارف پژوهی قرآن خوانده می‌شوند [۷].

جوادی آملی پس از تأکید بر ترتیب تفسیر موضوعی بر تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی را اینچنین تعریف کرده است: «مفسر آیتی از قرآن را که حاوی این موضوع است بعد از جمع‌آوری، جمع‌بندی کرده، سپس به جمع‌آوری و جمع‌بندی روایات در آن زمینه پردازد و در مرحله نهایی بین دو جمع‌بندی به دست آمده از آیات و روایات جمع‌بندی سومی به عمل آورد تا بتواند، آن را به عنوان نظر اسلام و قرآن و عترت ارائه دهد» [۳]. محمدحسین ذهبی پس از ذکر گرایش‌های تفسیری، چنین آورده است: برخی از اندیشمندان با محدود کردن بحث در تفسیر تنها درباره یک ناحیه از نواحی و موضوعات پراکنده قرآن به گفتگو پرداختند؛ به عنوان مثال ابن قیم در میان تألیفات خود کتابی را به بررسی سوگندهای قرآن اختصاص داده با نام التبیان فی اقسام القرآن و ابو عبیده کتابی را درباره مجاز قرآن و راغب اصفهانی درباره مفردات قرآن و... نگاشته‌اند... و نیز بسیاری از علماء موضوعی خاص را در قرآن دنبال کرده و به گردآوری آیات پراکنده درباره آن موضوع پرداخته و اختصاصاً به بحث و بررسی آنها پرداخته‌اند. گرچه ذهبی به تعریف مشخصی از تفسیر موضوعی اشاره نکرده است، اما از توضیحات او بر می‌آید که مشخص کردن یک موضوع قرآنی، استخراج و گردآوری آیات مرتبط و بررسی آنها سه عنصر اصلی در تعریف تفسیر موضوعی از نگاه اوست [۸].

در دانشنامه جهان اسلام چنین آمده است: «منظور از تفسیر موضوعی آن است که مفسر آیات قرآن را براساس موضوعی خاص گردآوری کند که معمولاً متناسب و مرتبط با نیازها و پرسش‌های مسلمان معاصر است و از سنجش مجموع آنها با یکدیگر، بر پایه مطالعات گذشتگان و آثار تفسیری متقدم، دیدگاه قرآن را درباره آن موضوع و ابعاد مختلف آن به دست آورد» البته برخی با گستراندن دایره تفسیر موضوعی سابقه‌ای طولانی برای آن قابل شده و مراد از تفسیر موضوعی را پرداختن به یکی از موضوعات قرآنی و نیز روش تفسیر قرآن به قرآن دانسته‌اند [۲].



## ۵. شیوه‌های تفسیر موضوعی

عموم صاحب‌نظران برای تفسیر موضوعی دو شیوه قائل شده‌اند. براساس شیوه نخست مفسر بدون توجه به پیش فرضها و ملاحظه پرسشها و مباحث روزآمد به سراغ قرآن آمده و به استخراج و دسته‌بندی آیات می‌پردازد و براساس شیوه دوم او پرسشها را براساس رویکردهای نوپیدا در عرصه‌های مختلف دانش بشری از بیرون قرآن برگرفته و آن را به قرآن عرضه کرده و نظر قرآن را درباره آن موضع جویا می‌شود. به نظر می‌رسد که برای نخستین بار این دو شیوه توسط محمد باقر حکیم صدر مطرح شده و به عنوان مبنای پذیرفته شده در آثار سایر صاحب‌نظران راه یافته است [۹].

محمد باقر صدر مطالعات و پژوهش‌های موضوعی در قرآن را به دو شیوه قابل تحقق دانسته است شیوه نخست چنین است: مفسر یک موضوع را از متن خارج برگرفته و به سراغ قرآن می‌رود تا موضع و نظرگاه قرآن را درباره آن موضوع کشف نماید. در این صورت مفسر نظر خود را بر یکی از موضوعات عقایدی، اجتماعی یا هستی‌شناسانه معطوف می‌سازد آنگاه دستاوردهای اندیشه بشری درباره مشکلات آن موضوع و راه‌های آن و پرسشها و چالش‌هایی را گردآوری می‌کند که مقارنه تاریخی می‌دهد سپس به سراغ نص و متن قرآن می‌رود و با متن به گفتگو می‌پردازد، در این فرض مفسر می‌پرسد و قرآن پاسخ می‌دهد، و هدف مفسر آن است که نگاه قرآن درباره آن موضوع را استخراج کند. صدر معتقد است که به این شیوه «شیوه توحیدی و تطبیقی» نیز می‌توان نام نهاد، زیرا مفسر می‌کوشد میان تجربه بشری و قرآن وحدت و هماهنگی ایجاد کند نه به این معنا که قصد داشته باشد تا تجربه بشری را بر قرآن تحمیل نماید.

شیوه دوم در تفسیر موضوعی نیز چنین است: مفسر موضوع معینی از قرآن را انتخاب می‌کند آنگاه آیاتی که در آن موضوع اشتراک دارند گردآورده و آنها را تفسیر می‌نماید [۹].

## ۶. ضرورت و اهمیت تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی از چند جهت ضرورت داشته است: ۱- محدودیت و ناتوانی تفسیر ترتیبی در ارائه نگرش جامع قرآن. درباره اهمیت و جایگاه تفسیر ترتیبی و ضرورت استمرار آن به رغم وجود صدها تفسیر برای به دست آوردن و به دست دادن نگرشها و آموزه‌های قرآن در آحاد آیات چنان که تاکنون کانون توجه مطالعات و تحقیقات قرآنی بوده، هیچ تردیدی نمی‌توان روا داشت. اما به اذعان همه صاحب‌نظران علوم و معارف قرآن تفسیر ترتیبی به خاطر عطف توجه به آحاد آیات و عدم امکان نگرش هم‌زمان به آیات مرتبط با یک موضوع از انعکاس نگرش جامع و چندسونگر قرآن درباره یک موضوع ناتوان است. به عنوان مثال مفسر قرآن در تفسیر ترتیبی هنگامی که به دو آیه ان الذین کفروا سواء علیهم أأنذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون، ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوه و لهم عذاب عظیم (بقره/۶-۷) می‌رسد به خاطر تنگنای تفسیر ترتیبی در سایه مبانی تفسیر می‌کوشد مفاهیم و مدالیل محدودی از مفاد این دو آیه به ویژه مصداق کافران و مفهوم ختم به دست داده تا حدالمقدور از سایه افکندن جبرنگری به آنها جلوگیری کند. اما او بدون اصطیاد سایر آیات مرتبط با مضمون این دو آیه و بررسی همه جانبه آنها قادر به پاسخگویی به همه پرسشها در زمینه این دو آیه نیست. پرسش‌هایی از این قبیل: سود بخشیدن انذار آیا شامل همه کافران در همه سطوح و مراتب است یا اختصاص به مراتب خاص یا کافران عصر خاص نظیر عصر نزول دارد؟ اگر انذار فاقد سود بخشی است آیا بعثت و دعوت کافران به هدایت یابی به راه دینداران لغو نیست؟ مفهوم دقیق و درست ختم و مهر گذاشتن بر دلها و گوشها چیست؟ آیا این مفاهیم کنایی و حکایتگر مرگ قلبی کافران است یا حقیقتاً ختم در کار است؟ در صورت



اراده معنای حقیقی، ختم چیست و چگونه انجام می‌گیرد؟ آیا ختم بر دلها با اختیار و اراده و قدرت انسان سازگار است؟ پاسخ جامع و قانع کننده به این پرسشها تنها در صورتی قابل تحقق است که تمام آیات مرتبط با کافران مورد بررسی و کنکاش موشکافانه قرار گیرد.

سایر عرصه‌هایی که قرآن به آنها به صراحت یا اشاره نظر دارد و به اصطلاح قلمرو این کتاب آسمانی به شمار می‌رود نیز چنین است. آیا به دست آوردن نظرگاه‌های قرآن درباره جایگاه زن در نظام تکوین و تشریح بدون اصطیاد آیات مرتبط و دسته‌بندی روشمند و بررسی همه جانبه آحاد آیات میسر است؟

۲- منوط بودن پاسخگویی قرآن به تمام پرسشها به تفسیر موضوعی. از سویی دیگر قرآن، اسلام را جامعترین و کاملترین ادیان آسمانی معرفی کرده که در کنار نسخ ادیان پیشین پرونده پیدایش هر دین آسمانی جدید را برای همیشه بسته است (مانده/۴). مفهوم این مدعا توان پاسخگویی اسلام به همه پرسشهای کهنه و نو در تمام زمینه‌ها و عرصه‌ها و نیازهای انسانها در حوزه قلمرو دین است. اگر قلمرو اسلام ارائه تصویری واقع بینانه و شفاف در عرصه هستی شناسی به مفهوم عام آن و ترسیم مرانامه نیکو زیستن و فرجامی نیک داشتن است، می‌بایست به تمام پرسشها و ابهامها در آن عرصه‌ها تا آنجا که در فهم انسانها می‌گنجد پاسخگو باشد. نظیر این پرسشها: نظرگاه قرآن درباره میزان اعتبار دستاوردهای بشری چیست؟ نظام اقتصادی مورد نظر قرآن چیست؟ نظام حقوقی مورد نظر قرآن کدام است؟ دیدگاه قرآن درباره روانشناسی چیست؟ و... پاسخگویی به این پرسشها از تفسیر موضوعی ساخته است.

از دیگر سو، گرچه آموزه‌ها و گزاره‌های اسلام در دو منبع کتاب و سنت انعکاس یافته، اما به خاطر جایگاه بلند قرآن و اعتبار بی‌چون و چرای آن که از آن به ثقل اکبر یاد شده، مسؤلیت بیشتر این پاسخگویی بر دوش قرآن سنگینی می‌کند، از این رو پیشوایان دینی در کنار تأکید به مراجعه به قرآن، خود برای نخستین مرحله به قرآن و سپس به سنت مراجعه می‌کرده‌اند.

از این رو ما برای به دست دادن نظرگاه‌های اسلام و پاسخ به پرسشهای مختلف که از سوی دین باوران یا از سوی ملحدان و کافران ارائه می‌گردد در نخستین و مهمترین مرحله، گریزی جز مراجعه به قرآن آن هم از نوع تفسیر موضوعی نداریم.

۳- ابهام‌زدایی از چهره برخی از آیات در سایه تفسیر موضوعی. از آنجا که در تفسیر موضوعی آیات مرتبط با یک موضوع که بالطبع نسبت به یکدیگر جنبه تفسیر دارند، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند ابهام‌های برخی از آیات در سایه تفسیر موضوعی برطرف می‌شود. این امر در تمام عرصه‌ها و گزاره‌های آیات قرآن اعم از عقاید، اخلاق، احکام، قصص و... جاری است. برای روشن شدن مدعا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- تعیین شب نزول قرآن. اگر قرار باشد موضوع زمان نزول قرآن از منظر قرآن را مورد بررسی قرار دهیم با تفحص در قرآن به آیات ذیل بر می‌خوریم: شهر رمضان الذی أنزل فیہ القرآن هدی للناس و بیّنات من الهدی و الفرقان (بقره/۱۸۵). براساس این آیه ماه مبارک رمضان ماه نزول قرآن است. اما با این حال نمی‌دانیم که قرآن در همه ماه مبارک فرود آمد یا در شب یا روز آن! «إنا أنزلناه فی لیلہ مبارکہ إنا كنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم (دخان/۳-۴)». براساس این دو آیه قرآن در ماه رمضان تنها در یک شب نازل شده است و این شب دارای دو ویژگی است: مبارک است و در آن شب میان کارهای حکمت آمیز جداسازی رخ می‌دهد. با این حال زمان دقیقتر چنین شبی همچنان مشخص نشده است.

در سوره قدر تبیین کامل‌تری از این شب ارائه شده است. در این سوره ضمن آنکه نام مشخص آن شب «لیله القدر» اعلام شده، ویژگی‌های دیگری برای آن برشمرده شده است که عبارتند از: شب نزول قرآن از هزار ماه برتر است؛ آن شب فرشتگان و روح که اعظم فرشتگان است برای انجام امر الهی فرود می‌آیند؛ در شب قدر سلام و تحیات الهی تا به سحر شامل بندگان صالح می‌شود. از مقایسه این سه بخش از آیات قرآن می‌توان نتیجه گرفت که قرآن در ماه رمضان و در یک شب آن به نام «لیله القدر» فرود آمده است.



- مفهوم و مراتب یقین. در بررسی موضوعی مسأله یقین از نگاه قرآن به این آیه می‌رسیم: و اعبد ربك حتی یا تیک الیقین (حجر / ۹۹) و پرسشی مهم در برخورد با این آیه رخ می‌نماید و آن اینکه آیا طبق مفاد این آیه مرز عبادت یقین است؟ به این معنا که اگر کسی به یقین رسید دیگر نیازی به عبادت نداشته باشد؟ آیا چنین ادعایی به استناد ظاهر این آیه که از سوی برخی از صوفیان ارائه شده، قابل قبول است؟

قرآن خود به این شبهه و پرسش پاسخ داده است. آنجا که از زبان اهل جهنم در بیان سبب عذابشان چنین آورده است. و کنا نکذب بیوم الدین حتی انا الیقین (مذثر / ۴۶-۴۷) اما روز قیامت را تکذیب می‌کردیم تا آنجا که به یقین رسیدیم. پیداست که مقصود از یقین در این آیه یقین در برابر شک و تردید که یکی از مراتب علم به شمار می‌آید و مبنای شبهه در آیه پیشین است، نیست بلکه یقین به معنای مرگ است و به مرگ از آن جهت یقین اطلاق شده که با تحقق آن پرده‌ها کنار رفته و تمام تردیدها به یقین مبدل می‌شود. بر این اساس مقصود از یقین در آیه پیشین هم مرگ است و معنای آیه چنین است که تا زمان مرگ خداوند را بپرستو نیز از کنار هم گذاشتن سه آیه به مراتب یقین یعنی علم الیقین، عین الیقین و حق الیقین دست می‌یابیم [۱۰].

قرآن در سوره مبارکه تکوین اعلام کرده که اگر مردم به مرتبه علم الیقین و یا عین الیقین برسند هرگز عذاب الهی را انکار نخواهند کرد. کلا لو تعلمون علم الیقین لترون الحجیم ثم لترونها عین الیقین (تکوین / ۵-۷) و در سوره واقعه نعمت بهشت و عذاب جهنم را حق الیقین دانسته است. این هذا لهُو حق الیقین (واقعه / ۹۵) چنانکه در سوره حاقه نیز فرجام حسرت آمیز کافران را حق الیقین معرفی کرده است و اینه لحق الیقین (حاقه / ۵۱) با کنار هم گذاشتن این آیات مراتب سه گانه یقین به دست می‌آید. [۱۱].

## ۷. نتیجه گیری

ضرورت آگاهی از دیگر علوم و پژوهش‌های انسانی و تجربی مرتبط با موضوع: بی تردید، آگاهی از پژوهش‌های دیگر مرتبط با موضوع، راه را برای درک معارف بلند قرآن کریم هموار می‌سازد. و این غیر از دخالت آنها در نظریه پردازی است. همان گونه که گفته شد، هر نوع دخالت بیرونی و پیش داوری مخل نظر ناب قرآن مجید خواهد بود. در این راه تفسیر موضوعی قرآن کریم حائز ویژگی‌های منحصر به فردی است که ره گشای قرآن پژوهان در فهم مراد و مفاهیم آیات و دریافت نظر قرآن کریم در پاسخ به سوالات، حول موضوعات مختلف خواهد بود. آنچه که مهم است، توجه به تفسیر موضوعی به عنوان مکمل دیگر رویکردهای تفسیری می‌باشد. تفاسیری موضوعی که با ارائه یا ادعای ساختار روشمند از نظام فکری، قرآن، معارف و آموزه‌های قرآن را به صورت نسبتاً گسترده و فراگیر مورد کنکاش قرار داده‌اند. این امر خوشبختانه در میان اندیشمندان شیعی با اقبال بیشتری نسبت به صاحب‌نظران اهل سنت روبرو بوده است. کتاب‌های منشور جاوید و مفاهیم القرآن از سبحانی، تفسیر موضوعی قرآن از جوادی آملی، پیام قرآن از مکارم شیرازی و همکاران و معارف قرآن از مصباح یزدی از جمله کتاب‌های صاحب‌نظران شیعه در این عرصه است. در این میان می‌توان به دایره المعارف‌های قرآن اشاره کرد که می‌توان ادعا کرد که این اثر نوعی از تفاسیر موضوعی است که در آن نگرش‌های قرآن درباره یک موضوع هر چند خاص و خرد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. دایره المعارف قرآن که توسط مرکز فرهنگ و معارف قرآن در حال تدوین و انتشار است و نیز دانشنامه قرآن شناسی و نیز بخشی از مدخل‌های دایره المعارف قرآن لیدن را می‌بایست از نوع رویکردهای نوین به عرصه تفسیر موضوعی دانست. در پایان با توجه به نکات و مطالب گفته شده لازم و ضروری است که کلیه روش‌های موضوعی باید توسط اندیشمندان، عالمان و قرآن پژوهان با توجه به همه شرایط بخصوص شرایط زندگی فعلی مورد بحث و نقد و بررسی قرار گیرد تا تمامی حسن و زیانش مشخص شود چون در سایه همین گفتگو حقیقت روشن، و راه آسان می‌شود. و امید اینکه تفاسیر موضوعی با موضوع روز هر چه بیشتر و بیشتر شود. ان شاء الله.

## مراجع

# National Conference on Future Studies, Humanities and Development

## کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانک و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۵

۲. حداد عادل، غ (۱۳۸۲)، "دانشنامه جهان اسلام"، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی،
۳. جوادی آملی، ع، (۱۳۷۹) "زن در آئینه جمال و جلال"، قم، موسسه اسراء.
۴. مجلسی، م، (۱۴۰۳ق) "بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الابرار"، بیروت، موسسه الوفاء
۵. طهرانی، آ (۱۴۰۳ق)، "الذریعه الی تصانیف الشیعه"، بیروت، دارالضواء،
۶. گروهی از نویسندگان (بهجت پور، رضایی اصفهانی، کلانتری و نصیری) (۱۳۸۴)، "تفسیر موضوعی"،
۷. زرقانی، ع (۱۹۸۸) "مناهل العرفان"، بیروت، دارالکتب العلمیه،
۸. ذهبی، م (۱۴۱۲ق)، "التفسیر و المفسرون"، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹. حکیم، م (۱۴۲۰)، "تفسیر سوره الحمد"، قم، مجمع الفکر الاسلامی،
۱۰. طبرسی، امین الاسلام (۱۳۶۳)، "مجمع البیان فی علوم القرآن"، تهران، ناصر خسرو، بی تا.
۱۱. طباطبایی، س م (۱۳۷۵)، "المیزان فی تفسیر القرآن"، قم، جامعه مدرسین، بی تا.